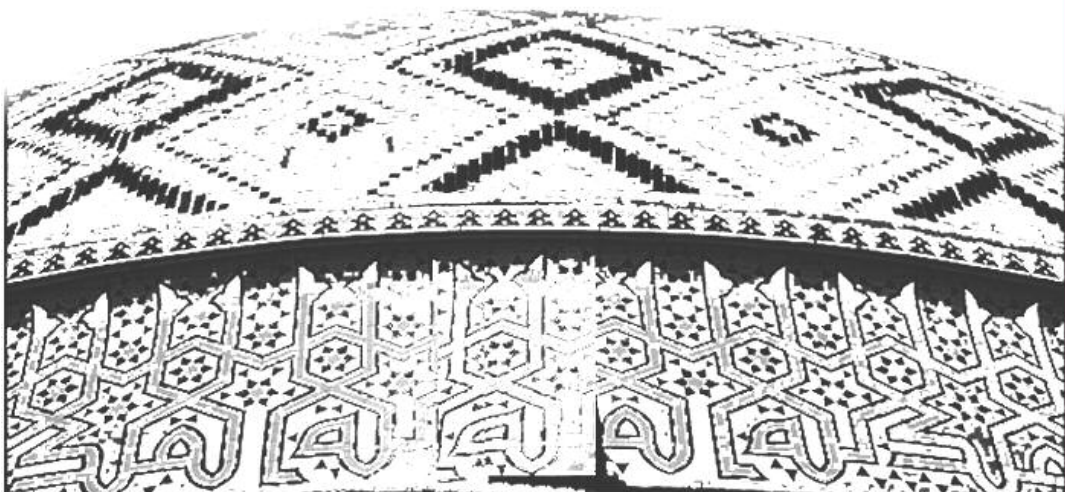


حياه الاحكام

آيات و روايات پيرامون عدالت





مقدمه :

عدالت واژه ای آشنا و برای همگان یادآور امری شیرین و دوست داشتنی است. برپایی عدالت توسط مردم بنا به فرموده قرآن کریم رسالت اصلی انبیاء الهی بوده است:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط

«پیامبران را با نشانه های روشن و کتاب فرستادیم تا مردم برای برپایی قسط قیام کنند»

جامعه قائم به القسط در مقابل قاسطین و ستمکاران می ایستد و ظلمی را تحمل نمی کند. با برپایی عدالت، احکام الهی زنده می شوند و ارزشهای انسانی در جامعه محقق می شوند. نماز و ورزه و جهاد و حج و امر به معروف و زکات و ... تحقق می یابند و به رشد و تعالی انسان به سوی پروردگار جهان کمک می رسانند.

العدل حیاة الاحکام

«عدالت، مایه حیات زندگی است»

خوشبختانه امروز گفتمان عدالت و عدالتخواهی در جامعه ما غلبه یافته و البته می رود تا کم کم از شدت تکرار زبانی به کلیشه ای ملال آور بدل گردد. اما آیا اولویت و اصالت مسأله عدالت به خاطر شرایط زمانی و تأکید بزرگان و نخبگان جامعه ماست یا علتی اصیل تر و مبنایی جدی تر نیز وجود دارد؟

رجوع به آیات و روایات موجود نشان می دهد که «عدالت» از چنان جایگاه اصیلی در دین مبین اسلام برخوردار است که به هیچ شاهد و استدلال بیرونی برای اثبات خود احتیاج ندارد. شناخت خط اصیل عدالتخواهی و تمایزات آن با عدالتخواهی های سیاسی و مقطعی و شعاری با شناخت صحیح از متون ناب دینی ممکن خواهد بود.

این جزوه تلاش کرده است تا گوشه ای از تأکیدات دین بر ابعاد مختلف مسأله عدالت را بنمایاند و البته از آنجا که قصد تفصیل نداشته از شرح و بررسی تفصیلی خودداری کرده است. امید آنکه مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد.

این شاء ا...

جنبش عدالتخواه دانشجویی



تعریف:

هر چند عدالت در مواردی به معنای تساوی است و با تعبیر مختلفی چون انصاف و توازن نیز به کار رفته است، اما تعریف مشهور آن عبارت است از:

اعطاء الحق ذی حقه «دادن حق به مستحق آن»

العدل یضع الامور مواضعها

«عدالت هر چیز را در جای خودش قرار می دهد»

که برگرفته از روایات معصومین (ع) است.

العدل الانصاف و الاحسان التفضل «عدالت انصاف است و احسان تفضل»

العدل جماع الاحسان و اعلى مراتب الايمان «عدالت سرجمع نیکی ها و بالاترین درجه ایمان است»

در برابر قسط و عدل نیز ظلم و جور و بعضاً تبعیض و نابرابری بکار رفته اند. البته تفاوت-های کوچکی میان عدل و قسط برشمرده شده است که از آن می گذریم.

إن القبح فی الظلم بقدر الحسن فی العدل «زشتی ظلم باندازه نیکی عدالت است»

الجور مضاد العدل «جور در مقابل عدالت است»

من لوازم العدل التناهی عن الظلم «از ملزومات عدالت دوری جستن از ظلم است»

همچنین سید قطب عدالت اجتماعی را یک عدالت انسانی عام و بر پایه آزادی همه جانبه وجدان، مساوات کامل انسانیت و تکافل و همکاری محکم اجتماعی می داند و آن را در عدالت اقتصادی محدود نمی بیند.

جایگاه:

برقراری عدالت، هدف انبیاء و امامان معصوم بوده و از طرفی پایه و اساسی برای نظام آفرینش و اصلی حیاتی در هستی می باشد:

بالعدل قامت السموات و الأرض «آسمانها و زمین بر اساس عدالت اقامه شدند»

العدل اساس به قوام العالم «عدالت اساسی است که استواری عالم بر آن است»

إن العدل میزان الله الذی وضعه للخلق و نصبه لاقامه الحق

«عدل میزان الهی است که برای بندگان وضع شده و برای برپایی حق نصب گردیده»

إن الله یأمر بالعدل و الاحسان «خداوند به عدالت و احسان امر می کند»



من علامات العقل العمل بسنه العدل «از علائم عقل عمل به سنتهای عادلانه است»

از بیانات معصومین(ع) چنین برمی آید که ایشان به تشکیل حکومت نیز به عنوان وسیله ای برای برقراری حق و عدالت و رفع ظلم می نگریسته اند و قیام حضرت ولی عصر - عج - نیز در همین راستا خواهد بود . در دعای ندبه می خوانیم :

این المعد لقطع دابر الظلمه ... این المرتجی لازاله الجور والعدوان

«کجاست آنکه برای قطع ظالمان آماده گشته و آنکه برای نابودی ظلم و دشمنی به امید اویند»

در بیان امیرالمومنین علی - ع - نیز آمده است :

ماخرجت الا لاعین مظلوما ... «خروج نکردم مگر برای یاری مظلومی و ...»

آن جمله حضرت اباعبدالله الحسین را نیز فراموش نکرده ایم که :

الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهي عنه ليرغب المومن لقاء الله محقا

«آیا نمی بینید حق را که بدان عمل نمی شود و باطل را که از آن رویگردانی نیست که در این

شرایط جا دارد انسان مومن لقاء الهی را طلب کند»

از نبی اکرم - ص - نیز چنین نقل شده است که :

الدلیل عندی عزیز حتی أخذ الحق له و القوی عندی ضعیف حتی أخذ الحق منه

«دلیل نزد من عزیز است تا حقی را برای او و قوی نزد من ضعیف است تا حقی را از او بستانم»

ویژگی ها :

عدالت از جامعیت و ویژگی هایی برخوردار است که آنرا به اصل و هدفی اساسی تبدیل ساخته و مطلوب انسانها قرار داده است :

العدل حياه و الجور ممات «عدالت زندگی و جور مرگ است»

العدل افضل من الشجاعه لان الناس لو استعلموا العدل عموما فی جميعهم لاستغنوا عن الشجاعه

«عدالت از شجاعت بالاتر است زیرا اگر همه مردم عدالت را بیاموزند از شجاعت بی نیاز می شوند»

العدل احلی من الماء یصیبه الظمان

«عدالت از آبی که تشنه می نوشد گواراتر است»

ان فی العدل سعه و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق

«در عدالت گستردگی است و هر کس که عدالت برایش سخت آید ، جور بر او سخت تر می گردد»



و هنگامی که از مولا علی «ع» از برتری عدالت یا جود می پرسند پاسخی می شنوند که بسیار قابل توجه است و علامه مطهری بر کاربرد آن برای اداره جامعه تاکید می کنند :

العدل یضع الامور مواضعها و الجود یخرجها من جفتها و العدل سائس عام و الجود عارض خاص .

«عدالت امور را در جای خودش قرار می دهد و جود از جاییش خارج می سازد و عدالت سیاست فراگیر و جود امری خاص است»

ثمرات :

عدالت و برپایی آنرا ثمرات و برکاتی است در ابعاد فردی و اجتماعی که وصف آنها در احادیث شوقی دو چندان در انسان پدید می آورد و از ظلم هم اثراتی پدید می آید که قلب انسان را می لرزاند خصوصا وقتی آنرا از کفر بدتر می شمارند که :

الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم «حکومت با کفر می ماند و با جور نمی ماند»

عدل ساعه خیر من عباده سبعین سنه قیام لیلها و صیام نهارها

«یک ساعت برقراری عدالت از هفتاد سال عبادت که شبها به راز و نیاز و روزها به روزه بگذرد بهتر است»

فی العدل اصلاح البریه ... و الظلم یدمر الدیار «عدالت مایه آبادانی شهرها است ... و ظلم شهرها را خراب می کند»

حضرت زهرا -س- آرامش قلب را نتیجه برقراری عدالت دانسته اند :

فرض الله العدل تسکینا للقلوب «خداوند برقراری عدالت را مایه آرامش قلب انسان قرار داد»

ان الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لاعروا الا بذنوب الاغنیاء

«مردمان ، فقیر و محتاج و گرسنه و عریان نمی شوند مگر به خاطر گناهان ثروتمندان»

و آنها که به دنبال راهکارهای اصلاح جامعه می گردند بد نیست این احادیث را نیز بخوانند :

الرعیه لا یصلحها الا العدل «مردم جز با عدالت اصلاح نمی شوند»

الرعیه سواد یتعبدهم العدل «مردم توده ای اند که عدالت آنها را به تبعیت می خواند»

لو عدل فی الناس لاستغنوا «اگر عدالت برقرار می شد مردم بی نیاز شده بودند»

علامه محمد رضا حکیمی در ذیل این حدیث در پاسخ به شبهه کسانی که ادعا می کنند فقر را نمی توان به طور مطلق ریشه کن ساخت این مضمون را بیان می دارند :



خدای تعالی به عدالت امر کرده است و چون امر به محال به دور از حکمت اوست و از طرفی در حدیث آمده است که عدالت برای مردم ارمغان رفاه می باشد فلذا حذف کامل ظلم های اقتصادی و فقر و بدبختی ممکن است .

بعد فردی :

چنانچه جمله مشهور امام راحل را در مورد انتظار تاکید می کرد که : «منتظران مصلح خود باید صالح باشند» باید گفت ظالم و برپایی عدالت ؟ هرگز ! حال چه ظلم به خویش یا به خدا و مردم .

کیف یعدل فی غیره من یظلم نفسه ؟ «چگونه کسی که به خود ظلم می کند برای دیگران عدالت خواهد ورزید.»

فکان اول عدله نفی الهوی عن نفسه «اولین پله عدالت او از بین بردن هوای نفس بود»

لیس من شیعتنا من یظلم الناس «کسی که به مردم ظلم کند از شیعیان ما نیست»

امیر مومنان علی ع- بیانی دارند که گویای لزوم عدالتخواهی به روش عادلانه است و بیانگر عدالت روش و نفی توجیه وسیله با هدف می باشد :

اتامرونی ان اطلب النصر بالجور «آیا از من می خواهید تا با ظلم به عدالت دست یابم!؟»

تعارض قول و فعل در افراد مایه شکستن دیوار اعتماد است و وجود این مساله در مسوولان اثرات زیانبار گسترده ای بر جامعه می گذارد :

ان اشد الناس حسره یوم القیامه من وصف عدلا ثم عمل بغيره

«بیشترین حسرت رو قیامت از ان کسانی است که عدالت را می گوید و به غیر آن عمل می کند»

اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم «آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید و در حالیکه خود را فراموش کرده اید!؟»

لزوم انتخاب افراد اصلح و رعایت شایسته سالاری نیز اصلی مبتنی بر عدالت است که باید از طرف انتخاب شوندگان نیز رعایت شود :

من تقدم المسلمین و هو یری ان فیهم من هو افضل منه فقد خان الله و رسوله و المسلمین

«هر کس جلودار و مسوولی از امور مسلمین شود در حالی که کسی اصلح از خود را در میان آنها

می ببیند به خدا و رسول و مسلمانان خیانت کرده است»

توجه و دقت معصومان نسبت به عدالت در سیره عملی ایشان تبلوری زیبا داشته است :



كان رسول الله يقسم لحظاته بين اصحابه

«رسول خدا لحاظتش را نیز در میان اصحابش به طور مساوی تقسیم می کرد.»

نکته مهمی که می تواند برای محک عمل منتقدان به عدالت نیز بکار آید میزان پذیرش سخن حق و انتقاد پذیری در مورد خود ایشان است :

من استثقل ان يقال له الحق او العدل ان يعرض عليه كان العمل بهما اثقل عليه

«هر که سخن حق یا اجرای عدالت بر او سخت آید عمل به آنها برایش سخت تر خواهد بود.»

حاکمان :

برای پذیرش حاکمیت جور سخن بسیار گفته شده است تا حدی که برخی روایات ساختگی بعضی فرق اسلامی آنرا واجب ! برمی شمردند و مردم را به تحمل آن حاکمان دعوت می کردند و حتی بخشهایی با عنوان «باب فی لزوم الطاعة و لاه الجورا» را در کتب خود داشتند اما روایات شیعه فقط بر لزوم اطاعت از حاکمان عادل صحه می گذارند تا حدی که اعمال نیک انجام شده در تحت ولایت حاکمان جور را هم باطل می دانند :

لا يقبل الله من العباد اعمال الصالحة التى يعملونها اذا تولوا الامام الجائر

«خدا اعمال نیک بندگان را در زمانی که تحت ولایت حاکم جائر بوده اند نمی پذیرد.»

من ارضى سلطانا جائرا بسخط الله خرج عن دين الله

«هر کس رضایت حاکم جائری را در ازای غضب الهی به دست آورد از دین خدا خارج گشته است.»

لا يصلح الحكم و لا الحدود الا بامام عادل «احکام و حدود الهی جز با حاکم عادل اصلاح نمی شوند»

يوم واحد من سلطان عادل خير من مضر اربعين يوم

«یک روز حاکمیت حاکم عادل از هفتاد روز باران الهی پربرکت تر است.»

نبی اکرم ص- در بیانی مقصر وجود ظلم را هم ظالم و هم مظلوم بر می شمارند :

الظالم و المظلوم كليهما فى النار «ظالم و مظلوم هر دو در آتش خواهند بود»

شاید این روایات و امثال اینها بود که همواره شیعیان را به عنوان مخالفان سرسخت حاکمان ظالم قرار می داد و ایشان را به مبارزه و جهاد دعوت می کرد :

افضل الكلام كلمة عدل عند امام جائر

«بالاترین سخن ، کلام عدلی است که در مقابل حاکم جائر گفته شود.»

اتقوا الله و اطيعوا امامكم فان الرعيه الصالحة تنجوا بالامام العادل



«تقوا پیشه کنید و امامتان را اطاعت کنید که مردم صالح جز با حاکم عادل نجات نمی یابند»

طاعه و لاه العدل تمام العز «کسب عزت در گرو اطاعت از والیان عادل است»

و البته اطاعت و حمایت حاکمان عادل اصلی اساسی برای نجات جامعه است. اگر مردم عراق با علی ع- همراهی کرده بودند سعادت و شوکتی شگفت به دست می آوردند و در انقلاب اسلامی نیز همراهی مردم با رهبران صالح و دلسوز مایه همه دستاوردها و موفقیت ها بود. به تعبیر استاد اسفندیاری پیامبران آمده اند تا هم درس بندگی (در مقابل خدا) و هم درس سرکشی (در مقابل ظالمان) را به انسان بیاموزد:

ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطغوت «تا خدا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید»

حکومت :

برای حکومت عدل وظائف بسیاری برشمرده شده است و طبعاً حاکم آن باید از ویژگیهای بسیاری برای اجرای این عدالت سخت و دقیق برخوردار باشد. عدم استفادۀ از بیت المال برای نزدیکان و رانتخواری و لزوم ساده زیستی و همراهی با محرومان و توده های جامعه همواره مورد تأکید بوده اند:

ان الله تعالى فرض على ائمه الحق ان يقدروا انفسهم بضعفه الناس

«خداوند بر حاکمان واجب کرده است تا زندگی شان را در حد ضعیف ترین مردم نگاه دارند»

سید القوم خادمهم «بزرگ مردم، خادم ترین ایشان است»

انصف الله و انصف الناس وليكن احب الامور اليك اوسطها في الحق و اعماها في العدل و اجمعها لرضا الرعية ... انما عمود الدين و جماع المسلمين و العده للاعداء ، العامه من الامه فليكن صغوك لهم و ميلك معجم

«نسبت به مردم و خدا انصاف داشته باش و محبوب ترین کارها در نزد تو موافقت با حق و گسترده ترین در عدالت و جامع ترین برای جلب رضایت خلق باشد ... همانا پایه دین و جمعیت عمده مسلمانان و ذخیره دفاع از دشمن، توده امت اند پس گوشت به ایشان و علاقه و میل به سوی ایشان باشد»

الله في الطبقة السفلى من الذين لا حيله لهم من المساكين و المحتاجين و اهل البوسى و الزمنى «خدا را خدا را در مورد طبقات پائین جامعه که چاره ای ندارند اعم از مساکین و نیازمندان و از کارافتادگان»



استاد حسن رحیم پور در توصیف همکاری حاکمان عدل با مردم و محرومان جامعه به این واقعه اشاره می کنند که دختر علی بن ابی طالب ع- در روز عید گردنبنندی را به طور قانونی از بیت المال عاریه گرفت ولی وقتی پدر او را دید گفت :

یا بنت علی! لا تذهبن بنفسک عن الحق ، اکل نساء المهاجرین تتریزن فی هذا العید بمثل هذا!
 «ای دختر علی! با دست خودت از حق دور مشو ، آیا تمام زنان مهاجرین در این عید اینگونه خود را به زیورآلات آراسته اند؟»

عمل به گفته ها و شعارهایی که مسوولان می دهند باید بعنوان تکلیفی ضروری بر دوش ایشان باشد نه امری دلخواه : **ذمتی بما اقول رهینه و انا به زعیم** «

ان اهون الخلق علی الله من ولی امر المسلمین فلم يعدل فیهم
 «پست ترین مردم در نزد خدا کسی است که امر مسلمانان را بعهده بگیرد و عدالت را برقرار نکند»
 ارتباط مستقیم حاکمان با مردم سبب ایجاد اعتماد در ایشان و فهم شرایط و مشکلات مردم برای حاکمان و کاهش شایعات و تهمتها می گردد :

فلا تطولن احتجابک عن رایتک ! فان احتجاب الولاه عن الرعیه شعبه من الضیق و قله علم بالامور
 و الاحتجاب منهم یقطع عنهم علم ما احتجبوا دونه فیصغر عندهم الکبیر و یعظم الصغیر
 «دوری از مردم را طولانی نکن که دوری حاکمان از منظر عموم ، بخشی از ضیق و موجب کمی اطلاع از امور است و آنچه را نمی دانند از ایشان قطع و کوچک را بزرگ و بزرگ را کوچک جلوه می دهد»

اعدل تدم لک القدره «عدالت را برقرار کن تا دولتت ادامه یابد»

توجه به انتخاب شایستگان و انجام اولویتها و وظیفه ای حیاتی برای حاکم اسلامی است :
 یستدل علی ادبار الدول بابع ، تضييع الاصول و التمسک بالفروع ، تقديم الاراذل و تاخیر الافاضل
 «نابودی حکومتها بر چهار علت است : ضایع کردن اصول و چنگ زدن به فروع ، جلو انداختن دون مایگان و عقب انداختن ارجمندان»

حاکم جامعه اسلامی همواره به توجه به فقرا و کم توجهی به مرفهین بی دردی که سبب ایجاد فقر و بدبختی و محرومیت بوده اند دعوت شده تا ایشان را که به خاطر فقر اقتصادی ، دنیای ابدی شان نیز در حال خراب شدن است را نجات دهند :

اغنیاء هم یسرقون زاد الفقراء «ثروتمندانشان توشه فقرايشان را می دزدیدند»



ما رایت نعمه موفوره الا و فی جانبها حق مضیع

«ثروت بسیاری را ندیدم مگر در کنارش حق تزییع شده ای بود»

ان افضل قره عین الولاہ الاستقامه العدل فی البلاد و ظهور موده الرعیه

«بالترین نورچشمی حاکمان ، برپایی عدالت در شعرها و اظهار مودت با مردمان است»

در راستای اجرای عدالت چنان و دقتی در سیره معصومان به چشم می خورد که نایافتنی است. مثلاً مولا علی(ع) قاضی منتسب خود یعنی ابوالاسعد دؤلی را پس از مدتی به خاطر بلند شدن تن صدای او بر متهم خود عزل می کند:

إنی رأیت کلامک یعلو کلام خصمک «من تن صدای تو را از طرف مقابلت بلندتر دیدم»

قابل توجه مسئولان قضایی و اجرایی کشور و تنظیم کنندگان طرح های تکریم ارباب رجوع و مدعیان حقوق بشر و ...

عدالتخواهی:

مطالبه عدالت از مسئولان و نظارت بر ایشان اصلی دینی و تکلیفی بر دوش مسلمانان است که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. احیاء این فرهنگ بزرگترین عامل حفظ سلامت حاکمان و تضمین کننده کارآمدی ایشان در جهت اولویت های مردم خواهد بود:

یا ایها الذین ءامنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله «ای اهل ایمان! برپادارندگان قسط باشید و برای خدا شهادت دهید»

بئس القوم قوم لایقومون الله تعالی بالقسط «بدترین ملتها ملتی است که برای قیام به قسط بر نمی خیزد»

فلاتکلفوا عن مقاله بحق أو مشوره بعدل فإنی لست فی نفسی بفوق أن أخطیء

«از سخن حق و مشورت به عدل خودداری نکنید چرا که من خودم را از خطا دور نمی بینم»

فإذا أدت الرعیه إلى الوالی حقه و أدى الوالی إليها حقهها عز الحق بینهم و قامت منهج الدین و اعتدلت معالم العدل «وقتی مردم به والی حقتشان را ادا کردند و والی به مردم ، حق در بین شان عزت یافته و پایه های دین و عدالت برپا می شوند»

اینکه مردم بتوانند نسبت به ظلم های موجود در جامعه فریاد بزنند و حق خود را بستانند ملاکی برای سعادت آن جامعه برشمرده شده است:

لن تقدس أمة لا یؤخذ للضعیف حقه من القوی غیر متعنت



«امتی که حق ضعیفان او از قوی ترهایش بدون لکننت زبان گرفته نشود به سعادت نمی رسد»

لا یحب الله الجبر بالسوء من القول الا من ظلم

«خداوند فریاد بلند را جز برای کسی که به او ظلم شده است دوست نمی دارد»

احیاء امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و حساسیت نشان دادن نسبت به ظلمها از نشانه‌های جامعه اسلامی است:

ما لكم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا

أخرجنا من هذه القرية الظالم اهلهما و اجعل لنا من لدنک ولیاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

«شما را چه می شود؟ چرا در راه خدا و زنان و مردان و کودکان مستضعفی که می گویند خدایا ما را

از شر این قوم ظالم دور کن و برای ما ولی و یآوری بفرست ، نمی جنگید ؟ »

ترکتم الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم فدعوتم فلا یتجاب لکم

«امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کنید سپس بدانتان بر شما مسلط می شوند و

دعاهایتان مستجاب نمی گردد»

در مورد نظارت بر حاکمان نقش خواص و نخبگان و عالمان دینی بسیار مورد تأکید دین قرار دارد و اساساً دفاع از مظلوم و مقابله با ظالم و ظیفخ اساسی ایشان دانسته شده است. تا حدی که حضرت مولا علی(ع) دلیل حضور خویش برای تصدی حکومت پس از دعوت مردم از ایشان را همین عهد الهی عالمان برمی شمردند:

لو لا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما أخذ الله علی العلماء أن لا یقاروا علی کله ظالم و

لا سعغب مظلوم... «اگر نبود حضور حاضران و اتمام حجتی که از وجود یاورانی انجام شد و خداوند از

علما تعجب نکرده بود که بر سیری ظالمان و گرسنگی مظلومان سکوت نکنید ...»

العلماء فی أنفسهم خانه إن کتم النصیحه «علمایی که نصایح را کتمان می کنند خائن اند»

إذا رأیتم العالم محبباً لدنیاه فأتهموه علی دینکم «وقتی عالمی را دوستدار دنیای خویش دیدید

او را بر دینتان متهم کنید»

جامعه اسلامی جامعه‌ای با روابط برادرانه و مملو از محبت و همیاری است، نه جامعه بی تفاوتی ها و بغض ها و کینه ها:

من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین ولم یجبه فلیس بمسلم

«هر کس صدای فردی را که فریاد ای مسلمانان! بلند کرده را بشنود و پاسخ ندهد مسلمان نیست»



من بات شعبان و آخوه المسلم جائع فلیس بمسلم

«هر کس شب را سیر بخوابد در حالیکه برادر مسلمانش گرسنه است مسلمان نیست»

دکتر علی شریعتی این بی تفاوتی ها را اینگونه تعبیر می کند که «هر گاه خونی به ناحق در گوشه ای از زمین ریخته می شود، تمام کسانی که در برابر آن سکوت کرده اند پنجه شان رنگین است» این تعبیر انسان را به یاد کشیدن خلخال از پای زن یهودی می اندازد و تعبیری که مولا فرمود: «جا دارد مرد مسلمان از این درد بمیرد»

امروز مظلومان همه عالم از آفریقا تا فلسطین و افغانستان و عراق و مستضعفان اقتصادی و فرهنگی همه کشورها - از جمله کشور خودمان - در حکم همان زن اند و ما ...

منابع مورد استفاده:

قرآن کریم / نهج البلاغه / غررالحکم و درر الکم

الحیاه (ج ۱-۶)؛ محمد رضا، محمد و علی حکیمی

جامعه سازی قرآنی؛ محمد رضا حکیمی

زندگانی امام جعفر صادق(ع)؛ سید جعفر شهیدی

سیری در نهج البلاغه؛ شهید مطهری / بیست گفتار؛ شهید مطهری

امام علی(ع) عدل و تعادل؛ محمد حکیمی / شیعه حزب تمام؛ دکتر علی شریعتی

عدالت اجتماعی در اسلام؛ سید قطب / قرآن و جامعه سازی؛ علی کمالی دزفولی

گلبانگ عدالت؛ اسماعیل پرور / تحقق عدالت اجتماعی؛ محمد رضا علوی

علی(ع) و شهر بی آرمان؛ حسن رحیم پور / حسین(ع) عقل سرخ؛ حسن رحیم پور

سیره نبوی؛ مصطفی دلشاد تهرانی / بعد اجتماعی اسلام؛ محمد اسفندیاری

پایگاه اینترنتی

جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.motalebe.ir